

# مطالبات یک نسل

فاطمه راکعی، فعال حوزه زنان در گفتوگو با «اعتماد» مطالبات متولدین دهه های 70 و 80 کشور را بررسی می کند

## 84 درصد جمعیت ایران متولدین پس از انقلاب هستند

گروه سیاسی | از منظری خاص داستان مهسا، داستان يك نسل است، نسلي که مطالبات و خواسته‌هایی دارد که آن‌گونه که باید و شاید از جانب تصمیم‌سازان و سیاستگذاران جدی گرفته نمی‌شود؛ نسلي که به نظر می‌رسد از شاخص‌های جنسیتی عبور کرده، هویت ویژه‌ای یافته و تلاش می‌کند بر بلندای همه محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، تصویری زنده، پویا و حاضر از خود ارائه کند. مبتنی بر این واقعیت‌هاست که بسیاری از تحلیلگران به دنبال واکاوی تحولات مرتبط با نسل دهه 70 و 80 هستند تا تفاسیر خاص خود را در خصوص این نسل ارائه کنند. بر اساس برخی آمارهای مستند بیش از 80 درصد جامعه ایرانی متولد و بزرگ شده در سال‌های پس از انقلاب هستند، اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند نقشه راهی که برای این جامعه ترسیم شده، تناسبی با دغدغه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای این نسل‌ها ندارد. در واقع سیاستگذاران و تصمیم‌سازانی که برای این نسل نسخه پیچیده‌اند، درک روشنی از مقتضیات این نسل نداشته‌اند. گروه سیاسی «اعتماد» در مسیر برنامه‌های قبلی‌اش در این شماره نیز پای صحبت‌های فاطمه راکعی، فعال سیاسی اصلاح طلب و نماینده مجلس ششم نشسته است تا روایت‌های تازه‌ای در خصوص نسل جوان کشور و متولدین دهه‌های 70 و 80 ارائه کند. در مسیر این ارزیابی‌ها از «فاطمه راکعی» درخواست شده تا تحلیل خود را در خصوص مطالبات زنان از يك طرف و نسل‌های جوان از سوي دیگر با محوریت رخدادهای اخیر بیان کند.

معتقدم نسل‌های جوان کشور و متولدین دهه‌های 70 و 80، تنها حاملان

ارزشهای نسل خود نیستند، آنها حاملان ارزشهایی هستند که زنان ایرانی در طول تاریخ معاصر کشور به دنبال تحقق آنها بوده، اما بنا به دلایل گوناگون محقق نشده‌اند. در فرهنگ و اساطیر ایرانی نمونه‌های بسیاری از قهرمانان وجود دارند که در آنها، قهرمانانی ظهور کرده‌اند که نه تنها مطالبات نسل خود را دنبال کرده‌اند، بلکه حاملان ارزشهای نسل‌های قبلی و خواسته‌های تاریخی خود نیز بوده‌اند. نمونه تیپیکال چنین چهره‌های اسطوره‌ای در فرهنگ ایرانی «فریدون» است که در شاهنامه فردوسی روایت‌های جذابی در خصوص او وجود دارد. اساساً از منظر جامعه‌شناسی نیز مفهومی با عنوان «ناخودآگاه جمعی» وجود دارد که محل تجمع همه خواسته‌ها، مطالبات و نیازهای فروخورده يك جامعه در بستر تاریخ است. در ماجرای اخیر، مهسا، مسافر تنهایی کلانشهری افسارگسیخته است که مظلومانه فوت می‌کند. در فرهنگ ایرانی مظلومیت همواره نقش بی‌بدیلی در جلب توجه افکار عمومی داشته است. دلیلی که مهسا را راهی گشت ارشاد می‌کنند، ظاهراً حجاب است، اما تصاویری که از او پخش می‌شود نشان می‌دهد که نه تنها پوشش غیر متعارفی نداشته بلکه از حدود تعریف شده نیز پوشش بیشتری داشته است. اینجاست که مهسا در شمایل يك «آرك تاپ» یا نمونه مثالی قرار می‌گیرد و ایرانیان احساس همذات‌پنداری با او می‌کنند. همه افرادی که دختری در خانواده دارند، یا مادرند یا خود در سن و سال مهسا هستند، ارتباط نزدیکی با ماجرای مهسا پیدا کردند. این پرسش در افکار عمومی طرح شد که نفر بعدی ممکن است هر کدام از آنها باشند. معتقدم که رخداد‌های پس از مرگ مهسا امینی تنها مختص به حجاب نیست و به سبک زندگی و هویت‌یابی جوانان بازمی‌گردد. جوانان زندگی آرام، اقتصادی سامان یافته، ارتباطاتی پویا و جامعه‌ای صلح‌جو می‌طلبند. اما ریشه‌های مطالبات این نسل را چگونه می‌توان ردیابی کرد؟

1) مقابله با خشونت: باید قبول کرد که جوانان این نسل از خشونت بیزارند. این درك طی سال‌ها و دهه‌های اخیر سینه به سینه نقل شده تا به متولدین دهه‌های 70 و 80 رسیده است. مادران و پدران این نسل که اغلب متولدین دهه‌های 50 و 60 خورشیدی هستند، نسلی هستند که خشونت را از نزدیک احساس کرده‌اند. چه در مدارس، چه در خانواده‌ها و چه در بستر عمومی جامعه این خشونت را دیده‌اند و به فرزندان خود تصویری از جامعه‌ای بدون خشونت را ارائه کرده‌اند. اما در این شرایط این نسل ناگهان متوجه می‌شود که بیش از 2 سال است لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در راهروهای بهارستان در حال خاک خوردن است. از سوی دیگر نحوه برخورد گشت ارشاد در جامعه متناسب با حفظ کرامت نسل‌های جدید نیست. برای درك این موضوع کافی

است، نگاهی به نحوه برخورد گشته‌های ارشاد با جوانان ایرانی بیندازید، تا متوجه عمق مطلب شوید. در بسیاری از تریبون‌های رسمی و صداوسیما نیز گفتمان نامناسب و خشن ترویج می‌شود. بنابراین بخش مهمی از اصلاحات ضروری در جامعه به حوزه‌های تقنینی و تصمیم‌سازی بازمی‌گردد.

2) اقتصاد پویا: بر اساس آمارهای مستند، بیش از 84 درصد جمعیت ایران را افرادی تشکیل می‌دهند که در سال‌های پس از انقلاب متولد شده، اما ساختاری برای این نسل‌ها تصمیم‌سازی می‌کند که متناسب با دوران جدید تجهیز فکری، عملیاتی و تقنینی نشده است. مثلاً این روزها خبری منتشر شد که در مشهد اجازه فروش آیفون 14 داده نشده است. طبیعی است این نوع تصمیم‌گیری متناسب با نیازهای این نسل نیست جوان ایرانی در این شرایط به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه است. نسل‌های جوان کشور با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی نحوه زندگی جوانان سایر کشورها را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند و مایلند از رفاه مطلوب و امکانات مناسب بهره‌مند باشند. خودروی خوب سوار شوند، لباس خوب بپوشند، شغل خوب داشته باشند و نهایتاً یک زندگی مرفه را تجربه کنند. این مطالبات با تحریم و سوءمدیریت و اختلاس و... محقق نمی‌شود، بنابراین در ناخودآگاه جمعی جامعه در قالب یک مطالبه فروخورده قرار می‌گیرد.

3) ابزارهای نوین ارتباطی: یکی دیگر از مطالبات بحق نسل جدید، ارتباط پویاست. این نسل با فضای مجازی ارتباط نزدیکی دارد و اینترنت را مانند اکسیژن تنفس می‌کند. برای این نسل طرح صیانت یک اجحاف جدی و غیر قابل قبول است. اما متأسفانه مسوولان بدون توجه به تبعات تصمیمات سلبی خود، سراغ محدودسازی اینترنت و فضای مجازی رفتند. شما ببینید تا چه اندازه کارشناسان و دلسوزان کشور درباره خطرات طرح صیانت هشدار دادند اما به همه آنها توجهی نشد.

4) محدودسازی بسترهای کنشگری: این نسل ناظر همه تصمیماتی است که منجر به محدودیت شده است. زمانی که بسترهای فعالیت‌های سیاسی از طریق ردصلاحیت‌ها و... و بستر فعالیت‌های مدنی با قانون تشکله‌ها و فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور با ممنوع‌الکاری‌ها و... محدود شدند، طبیعی است که جوان این نسل احساس می‌کند، جایی برای کنشگری برای او باقی نمانده است. در این فضا، طبیعی است که تجمعات بیرونی را برای رساندن صدای خود به مسوولان و متولیان انتخاب می‌کند. مطالبات این نسل را به عینه می‌توان در اشعار ترانه شروین حاجی‌پور ردیابی کرد، اگر گوش شنوایی باشد.